فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

# وظیفهٔ حکومت اسلامی در برخورد با مظاهر فساد و تباهی در پرتو اندیشهٔ شهید بهشتی

محمدصادق داریوند [۱*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

## اطلاعات مقاله

**نوع مقاله:** پژوهشی

**صفحات:** ۶۱-۷۰

**اطلاعات نویسنده مسؤول**

**کد ارکید:** ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۵۲۰۸-۶۳۶۶

**تلفن:** ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

**ایمیل:** darivand1378@gmail.com

**سابقه مقاله:**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

**واژگان کلیدی:**

امر به معروف، جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، فساد اجتماعی، قانون اساسی، نهی از منکر.

## چکیده

اساس نظام اسلامی بر پایهٔ اطاعت از دستورات خداوند، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است. یکی از دستورات خداوند متعال در قرآن کریم و معصومان در روایات متعدد، مبارزه با جلوه‌های اجتماعی و علنی گناه می‌باشد. به‌همین جهت یکی از تکالیف نظام جمهوری اسلامی ایران براساس بند نخست اصل سوم قانون اساسی، ایجاد محیط مساعد جهت رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با کلیهٔ مظاهر فساد و تباهی در جامعه اسلامی است. از سویی شهید بهشتی ازجمله افراد شاخص و برجستهٔ انقلاب اسلامی محسوب می‌شود تاجایی‌که ایشان نقش فعال و گسترده‌ای در تأسیس و استقرار نظام اسلامی داشته است و به‌همین جهت در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا با استفاده از گردآوری گفتارها و نوشتارهای ایشان، با روش کتابخانه‌ای – اسنادی و با نگاه تحلیلی بدین‌پرسش پاسخ داده شود که از نگاه شهید بهشتی، ضرورت برخورد حکومت اسلامی با مظاهر اجتماعی فساد و گناه چیست و ایشان تکلیف حکومت اسلامی در این‌باره را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شهید بهشتی معتقد است بی‌پروایی ارتکاب گناه در محیط اجتماعی سبب انحطاط جامعهٔ اسلامی شده و حکومت اسلامی به جهت حفظ سلامت اخلاقی جامعه موظف است که ابتدا با استفاده از شیوه‌های فرهنگی و آموزشی نسبت به آگاهی بخشی و ایجاد گرایش به فضیلت‌های اخلاقی گام بردارد و در وهلهٔ دوم با استفاده از قدرت نهادهای نظارتی و قضایی نسبت به برخورد با مظاهر علنی فساد و گناه در جامعه اقدام کند.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

**مقدمه**

جامعهٔ اسلامی یعنی آن جامعه‌ای که در رأس آن خداوند حکومت می‌کند و مقررات آن جامعه، قوانین الهی است و حدود الهی در آن جامعه جریان می‌یابد و همهٔ انسان‌ها پائین‌تر از خدا قرار می‌گیرند. در این جامعه، دین خدا تشکیلات اجتماعی را به‌وجود می‌آورد و همهٔ روابط اجتماعی، اقتصادی و حکومتی را دین الهی معین و اجرا می‌کند (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۱۶). نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ اعتقاد به مکتب و شریعت اسلام پایه‌گذاری شده است، به‌طوری‌که در اصل دوم قانون اساسی، نخستین مبنای اعتقادی این نظام اعتقاد به یگانگی خداوند متعال است. در جامعه‌ای که مردم آن مسلمان هستند و به خداوند اعتقاد دارند، حکومت و نظامات حاکم بر آن جامعه نیز باید رنگ و بوی خدایی داشته و به‌عبارتی حکومت مکتب باشد، یعنی مکتب اسلام، قوانین و احکام اسلامی بر همهٔ روابط و شئون زندگی مردم حاکم باشد. یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی که در بند اول از اصل سوم قانون اساسی ذکر شده است، مبارزه با کلیهٔ مظاهر فساد و تباهی و ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا می‌باشد. یکی از تکالیف مهم نظام اسلامی، وظیفهٔ آن در قبال معنویت جامعه و افراد آن است که به جهت اهمیت در مرتبهٔ نخست قرار می‌گیرد؛ اموری مانند پرداختن به تربیت و تعلیم امت اسلامی، توجه به سلامت و تزکیهٔ افراد اجتماع از نظر اخلاقی و به‌کار گرفتن همهٔ وسایل و امکانات ضروری برای اینکه مردم جامعه بتوانند از اخلاق نیکو برخوردار شوند، ازجمله موارد این وظیفهٔ مهم محسوب می‌شود (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۱۵-۲۱۴). در همین زمینه، حکومت اسلامی موظف است تا با مظاهر اجتماعی گناه مبارزه کند تا فضای اخلاقی جامعه دچار تنزّل و سقوط نشود؛ کمااینکه در قرآن کریم یکی از دستورات خداوند به حاکمان اسلامی همین امر مهم می‌باشد.[1] آن کاری که در ملأ عام انجام می‌شود، یک کار عمومی و اجتماعی است و به‌نوعی یک تعلیم عمومی محسوب می‌شود؛ انجام این امر، برای حکومتی که به‌نام اسلام بر سرِ کار آمده، تکلیف ایجاد می‌کند. حرام کوچک و بزرگ ندارد؛ آنچه حرام شرعی است، نباید به‌صورت آشکار در کشور انجام بگیرد. آنچه در مقابل چشم مردم است و در محیط اجتماعی می‌باشد، حکومت اسلامی وظیفه دارد در مقابل آن بایستد. شارع مقدّس بر حکومت اسلامی تکلیف کرده است که مانع از رواج حرام الهی در جامعه بشود و حکومت اسلامی موظّف است در مقابل مظاهر اجتماعی حرام و گناه ایستادگی کند (Leader.ir, 1401). در میان متفکران مسلمان معاصر، شهید بهشتی از جایگاه بسیار ارزنده‌ای برخوردار است؛ چراکه ایشان از رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران بوده و در جریان تصویب قانون اساسی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نقشی برجسته ایفا نموده است، تاجایی‌که پس از تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، به‌عنوان نایب‌رئیس این مجلس انتخاب شدند و به‌دلیل برخورداری از قدرتی بالا در مدیریت کردن فضای حاکم بر این مجلس، ریاست بسیاری از جلسات را برعهده داشتند و به‌همین جهت ایشان یکی از آباء مؤسس[2] نظام حقوقی نوین ایران اسلامی به‌شمار می‌روند. تاکنون و تاجایی‌که نگارندهٔ اثر فحص و بررسی داشته، تحقیق و مقاله‌ای با این عنوان در جهت تبیین اندیشهٔ شهید بهشتی نگاشته نشده است و به‌همین جهت، وجه نوآوری و تمایز پژوهش حاضر در این است که به این موضوع در این اثر به‌صورت مستقل و جداگانه پرداخته شده است و پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که موضع و دیدگاه فکری شهید بهشتی به‌عنوان یکی از متفکران برجستهٔ اسلامی در دوران معاصر، درخصوص ضرورت مقابله با مظاهر اجتماعی گناه از سوی حکومت اسلامی چیست و حکومت اسلامی چه تکلیفی در قبال مبارزه با مظاهر فساد و تباهی در جامعه دارد؟ در ادامه سعی بر آن شده است تا از طریق گردآوری گفتارها و نوشتارهای ایشان، با روش کتابخانه‌ای - اسنادی و با نگاه تحلیلی بدین‌مسأله پاسخی مناسب داده شود. به‌همین منظور، مقالهٔ پیش‌رو، نخست به تبیینی از منظومهٔ فکری شهید بهشتی پرداخته و پس از آن در قسمت دوم مقاله، به بررسی تفاوت آزادی و بی‌بند و باری از برداشت شهید بهشتی می‌پردازد و در بخش سوم دربارهٔ ضرورت مبارزه با مظاهر اجتماعی فساد و تباهی سخن گفته شده و در قسمت پایانی، تکلیف حکومت اسلامی در برخورد با مظاهر فساد و تباهی در منظومهٔ فکری ایشان به زیر ذره‌بین می‌رود.

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰).

2- Founding Fathers.

## ۱- تبیین منظومهٔ فکری شهید بهشتی

### ۱-۱- انسان از منظر شهید بهشتی

انسان‌شناسی یک امر بسیار مهم در اندیشهٔ شهید بهشتی است؛ چراکه ایشان معتقد است وقتی بخواهیم دربارهٔ قوانین و مقررات و آزادی‌های فردی و اجتماعی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به‌طورکلی آزادی‌های رفتاری انسان سخن بگوئیم، باید به ریشهٔ بحث در اسلام رجوع کنیم و ابتدا باید بررسی کنیم که انسان از دیدگاه مکتب اسلام، دارای چه بافت و ساختی می‌باشد (مهدوی، ۱۳۹۵: ۱۵۹). با نگاهی به آثار شهید بهشتی متوجه آن می‌شویم که ایشان در تعریف انسان، اعتقاد دارد در مجموعهٔ حیرت‌انگیز جهان، انسان یک موجود برجسته و ارزشمندی است که علاوه‌بر بُعد مادی، دارای بُعد استثنایی دیگر نیز می‌باشد که ما آن را جنبهٔ الهی، نفخهٔ ربانی و روح الهی می‌دانیم که انسان را از دیگر موجودات جهان متمایز می‌کند[1] (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۶۵). از نظر شهید بهشتی در درون انسان، کشش‌ها و تمایلاتی مانند خویشتن‌دوستی، سودجویی، لذت‌خواهی، برتری و انتقام‌جویی و زیبایی‌دوستی وجود دارند که از طبیعت و سرشت او نشأت می‌گیرند و بخشی از بافت اصلی او را تشکیل می‌دهند. این جاذبه‌های فطری که غرایز او هستند، برای ادامهٔ زندگی انسان، ضروری و در تکامل و تعالی او بسیار تأثیرگذار هستند، به‌شرط آنکه با قدرت اندیشه و تشخیص و اختیاری که در آدمی هست، مهار شوند تا از طغیان و انحراف آن‌ها جلوگیری گردد و با تعدیل، ترکیب و هدایت درست، در جهت رشد و تکامل وی به‌کار افتند، در غیر این صورت، همین کشش‌ها می‌تواند به عاملی برای انحراف و سقوط انسان بدل شود (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۶۷ - ۳۶۶). در واقع ایشان معتقد است انسانِ اسلام، موجودی است که باید انتخاب‌گر به دنیا بیاید، انتخاب‌گر بزرگ شود، انتخاب‌گر زندگی کند، انتخاب‌گر به راه فساد برود، انتخاب‌گر به راه صلاح برود، و تا لحظهٔ مرگ هرگز زمینهٔ انتخاب از دست‌اش گرفته نشود. نظام اجتماعی و اقتصادی، نظام تربیتی، نظام کیفر، مجازات و حقوق جزایی و نظام مدنی، حقوق مدنی و اداری اسلام را، همه را باید پس از توجه به این اصل شناخت. هرجا انسان از انتخاب‌گری بیفتد، دیگر انسان نیست؛ دیگر ارج انسانیت او رعایت نشده است (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

### ۲-۱- مسئولیت اجتماعی انسان از دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی معتقد است که آزادی انسان همانند داشتن حق انتخاب، بدون مسئولیت نیست. به‌دنبال احساس آزادی، مسألهٔ مسئولیت می‌آید[2] و آیات قرآن پُر است از تصریح به مسئولیت انسان و به‌دنبال آن مسئولیت است که انسان دچار دلهره و اضطراب می‌شود (مهاجری، ۱۳۹۰: ۱۷۵/۴). از نگاه ایشان، مسئولیت انسان بدان‌معناست که انسان بر مبنای قدرت آگاهی و اختیاری که دارد، در برابر خوب و زشت اعمال خویش مسئول است و وجدان او همواره او را مورد سؤال و پرسش قرار داده و از آن فراتر، سؤال و پرسش خداوند در روز معاد خواهد بود (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۶۶). در واقع زمانی‌که انسان فهمید خوب و بدی هست و تکلیفی وجود دارد، در پی آن احساس مسئولیت می‌کند؛ البته احساس مسئولیت برای انسانی که معتقد به خدا نیست و وجدان برای انسانی که معتقد به خداست، مطرح است؛ البته هم وجدان و هم خدا، چون وجدان نمایندهٔ خدا در قلب مؤمن می‌باشد، آن هم رسول الهی و رسول باطن است. از دیدگاه ایشان مسئولیت هر انسانی، این است که در پرتو قرآن و آیات الهی و به پیروی از انبیاء خدا و ائمهٔ هدی، قسط را برپا دارد (حسینی‌بهشتی،۱۳۹۰: ۵۱). از دیدگاه شهید بهشتی، انسان دو مسئولیت مهم برعهده دارد؛ نخست مسئولیت انسان در برابر خویش است، بدان‌معنا که آدمی در رابطه با خودش چه مسئولیتی دارد و باید به‌طور دائم به فکر خودش باشد و هیچ وقت از رسیدگی به خودش غافل نشود که در این راه ذکر خدا و به یاد داشتن معاد چراغ راه و توشهٔ او برای سیر الی‌الله خواهد بود (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۷۲). اما مسئولیت مهم‌تر انسان در برابر محیط اجتماعی است؛ چراکه از نظر ایشان، انسان یک واقعیت اجتماعی و یک موجود اجتماعی می‌باشد و هیچ زمان به‌تنهایی زندگی نمی‌کند. انسان همیشه با دیگران زندگی می‌کند و در رابطه با دیگران هم اثر می‌گذارد و هم اثر می‌پذیرد. احساس مسئولیت اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل حفظ و ضمانت اجرایی عدالت در محیط اجتماعی است و ازاین‌رو آگاهی عمومی به حقوق و وظایف و مراقبت در حفظ و اجرای آن و اصل انتقاد سازنده و امر به معروف و نهی از منکر در همهٔ مراتب و حدود آن در جامعه ضرورت دارد (حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۷۷). شهید بهشتی در روند تصویب

---

۱- «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/۷۲).

۲- «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات/۳۷).

بند آزادی توأم با مسئولیت انسان در اصل دوم قانون اساسی معتقد بود: «مسئول بودن انسان باید بعد از مسألهٔ آزادی انسان‌ها بیاید، چون به‌دنبال آن است که مسئولیت می‌خواهد. در واقع مقصود از این فراز این است که در وهلهٔ نخست، انسان خودسازاست و مسئول ساختن خویش می‌باشد و این در همهٔ نظام‌های قانونی که بر پایهٔ قانون اساسی در آینده می‌خواهیم وضع کنیم، اثر تعیین‌کننده دارد و {در وهلهٔ} دوم، انسان نه‌تنها مسئول خودسازی است، بلکه مسئول دگرسازی و محیط‌سازی نیز می‌باشد، یعنی انسان مسئولیت دارد دیگران را هم بسازد، از راه نقش و تأثیری که در ساختن محیط دارد که از راه امر به معروف و نهی از منکر این نقش را ایفا می‌کند. پس این مبنا و دید ماست، یعنی انسان را مسئول می‌دانیم و نه اینکه بعدها می‌خواهیم مسئول بدانیم، بلکه همین امروز از دید نظام جمهوری اسلامی مسئول است» (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۲۱۳/۱).

### ۳-۱- جامعه و نظام اسلامی از نظر شهید بهشتی

جامعهٔ اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی، جامعه‌ای است که در آن ارزش‌ها و احکام و قوانین اسلام بر همهٔ روابط اجتماعی حاکم باشد. ازاین‌رو جامعه‌ای که همهٔ افرادش مسلمان هستند و به وظایف فردی اسلامی خود عمل می‌کنند، ولی قوانین حاکم بر روابط اجتماعی آن‌ها به‌صورت خالص اسلامی نیست، جامعهٔ اسلامی محسوب نمی‌شود. به‌عکس، جامعه‌ای که همهٔ افرادش مسلمان نیستند و برخی از آن‌ها یهودی، زرتشتی یا مسیحی یا مسلمان سست‌عقیده‌اند که به همهٔ وظایف فردی خود عمل نمی‌نمایند، ولی ارزش‌ها و قوانین و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی آن‌ها یک‌سره ارزش‌ها و قوانین و مقررات اسلامی است، جامعه‌ای اسلامی می‌باشد (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۸۷-۳۸۶). در واقع خواست صریح قرآن این است که جامعهٔ اسلامی به‌صورت جامعهٔ نمونه درآید تا برای همهٔ مردمی که خواستار زندگی اجتماعی سالم و سعادت بخشند، الگو شود و شاهدی عینی بر این اصل عالی انسانی گردد که راه سالم زیستن و به عدل و اعتدال رسیدن به‌روی انسان‌ها بسته نیست و این خود انسان‌ها هستند که باید این راه را بشناسند و با آگاهی و ایمان و تلاش بدان درآیند[1] (حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۰ (ب): ۳۹۳). شهید بهشتی اعتقاد دارد طرح ادارهٔ کشور در اصول قانون اساسی به این شکل منعکس شده که جامعهٔ ما یک جامعهٔ اسلامی است؛ یعنی جامعه‌ای است که می‌خواهد با اسلام اداره بشود و می‌خواهد در راه اسلام بماند؛ آن هم اسلام راستین، اسلامی که فقهای متخصص در شناخت اسلام که با تقوا، روشن‌بین و آگاه به مسائل روز باشند، برای امت مسلمان بیان کنند (سرابندی، ۱۳۸۶: ۲۸۶/۱). شهید بهشتی معتقد است نام راستین نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نظام امت و امامت نام دارد و از این نظر با هیچ‌کدام از عنوان‌هایی که در کتب حقوق عمومی و حقوق اساسی به‌کار رفته است، مطابقت ندارد؛ چراکه این عنوان مختص به فرهنگ اسلامی می‌باشد و از دیگر فرهنگ‌ها به عاریت گرفته نشده است (حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۰، (الف): ۳۹). از نظر ایشان، رابطهٔ میان امت رهبری، زمامداری و تودهٔ مردم و امت، مانند رابطهٔ پدر و فرزندان است (سرابندی، ۱۳۸۶: ۳۶۲/۳) و تعریف این نظام در نظر ایشان بدین‌صورت است که امام و امامت در نظام مدیریت جامعهٔ اسلامی اصل محسوب می‌گردد و همه چیز دیگر باید در پرتو این اصل پُرشمول در جای خودش ساخته و شناخته شود و قرار گیرد و به این ترتیب، همهٔ نهادهای حکومتی جامعه باید در خط امام باشند؛ رئیس جمهور باید در خط امام باشد، مجلس باید در خط امام باشد، قوهٔ قضائیه و مسئولان باید در خط امام باشند، نیروهای نظامی و انتظامی باید در خط امام باشند؛ این می‌شود امامتی که برخاسته از بطن و متن امت است و به‌طور دائم با امت می‌اندیشد، حرکت می‌کند و هر وقت سخنی از دهانش بیرون آید، امت احساس می‌کند سخن دل اوست که بر زبان امام‌اش جاری شده، در واقع این پیوند را با هیچ چیز نمی‌توان درست کرد؛ چراکه این یک پیوند خاص است و جز از همین مسیری که در مکتب اسلام طی شده، نمی‌شود به آن رسید (شعاع‌حسینی، ۱۳۹۲: ۱۶/۳).

## ۲- تفاوت آزادی و بی‌بند و باری از نگاه شهید بهشتی

### ۲-۱- اهمیت آزادی انسان

در منظومهٔ فکری شهید بهشتی، انسان یک موجود خودآگاه و انتخاب‌گر است و ارزش او در همین می‌باشد که آزادانه و با انتخاب خود به راه خیر و فضیلت درآید یا آزادانه به راه زشتی و شر فرو غلطتد و این آزمون بزرگی است که انسان در آن شرکت دارد. ایشان حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را یک اصل از اصول عالی اسلامی دانسته و همواره خود را یکی از طرفداران حفظ آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌داند، اما باید توجه داشت که ایشان آزادی انسان‌ها را امری مطلق نمی‌دانند، بلکه آن را مقید به این امر می‌دانند که نخست حدود آزادی را

---

۱- «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ» (بقره/۱۴۳).

باید قانون معین کند و دوم آزادی‌ها نباید به اصول اسلامی و سلامت اخلاقی جامعه و آسایش عمومی مردم لطمه‌ای وارد نماید (داریوند، ۱۳۹۸: ۱۷۶). از دیدگاه شهید بهشتی، در مکتب اسلام، انسان گوهر تابناک هستی است و آزادی انسان به‌عنوان نقطهٔ قوت آفرینش او تلقی می‌شود، زیرا او آزاد و آگاه آفریده شده است. مکتب اسلام برای انسان آزاد و آگاه، زمینه و توان شکوفایی و برانگیختگی و یافتن مسیر را به اندازهٔ زیادی قائل است و انسان را تشویق می‌کند تا نخست در پرتو نورانی پیامبر باطنی، یعنی عقل و خرد حرکت کند؛ چراکه عقل و خرد راهبر انسان می‌باشد؛ ولی انسان به کمک همین اندیشهٔ تحلیلگر و خرد روشنگر، یک سرچشمهٔ بزرگ و رفیع و شخصیتی پُرارج و آگاهی دیگر، یعنی وحی خدا، نبوت انبیاء، کتاب‌الله و سنت پیامبران را می‌شناسد. بنابراین در اسلام، آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی نیز دارد؛ انسان آزاد است، اما در چهارچوب حدودالله و در چهارچوب احکام الهی (سرابندی، ۱۳۸۶: ۷۷/۱). در واقع انسان براساس آگاهی‌هایی که در فطرتش ریشه دارد، در پرتو تجربه و عمل بارور می‌شود و با قدرت گزینش آزادانه‌ای که به او داده شده، در جهتی که خودش انتخاب و اختیار کرده است رشد می‌کند، جلو رفته و ساخته می‌شود و ویژگی اساسی انسان همین خودسازی و محیط‌سازی آگاهانه و آزادانه او می‌باشد (سرابندی، ۱۳۸۶: ۱۷۸/۳).

### ۲-۲- معنای آزادی انسان

آزادی در اندیشهٔ دکتر بهشتی، یعنی تسلط انسان بر ساختن خویشتن و ساختن محیط خویش؛ چراکه امتیاز انسان بر همهٔ موجودات دیگر عالم طبیعت، این است که می‌تواند بر طبیعت مسلط باشد و شرایط طبیعی را بر وفق خواسته و نیاز خود دگرگون کند یا در برابر هجوم عوامل نامساعد طبیعی، سد و مانع به‌وجود آورد. این توان در جانداران دیگر نیز کم‌وبیش وجود دارد، اما آنچه انسان می‌تواند و می‌کند در مقایسه با آنچه جانداران دیگر می‌کنند، بسی پیشرفته‌تر و کامل‌تر است (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱: ۳/ ۱۱۸۳). در این معنا، آزادی ارتباط عمیقی با خلاقیت پیدا می‌کند؛ چراکه خلاقیت فنی و صنعتی و چاره‌اندیشی‌های پیشرفتهٔ انسان در رویارویی با شرایط طبیعی میدان گسترده‌ای برای آزادی به‌وجود آورده است. او در یک محیط گرمسیر می‌تواند هوای سرد مطبوع بسازد و از آن بهره‌ور شود و در پای کولر آبی یا گازی بنشیند و به طبیعت گرم منطقه خویش بگوید، من زیر سلطهٔ سوزان تو نیستم و آزادم. در پرتو خلاقیت، انسان درجهٔ بالایی از آزادی خویش را تأمین کرده است. بنابراین در پرتو چنین سلطه‌ای است که انسان می‌تواند حاکم بر خود، محیط طبیعی و جامعه، نظام، حاکمیت و قدرت سیاسی شود و بر همه تأثیر اساسی بگذارد (لک‌زایی، ۱۳۹۹: ۵۵). از نگاه شهید بهشتی، آزادی و انتخاب آزادانه، تأثیر سرنوشت‌سازی در زندگی انسان دارد، به‌طوری‌که شخصیت و زندگی او را انسانی می‌کند و بسیاری از تدابیر اسلام در نظامات سیاسی و اجتماعی در حقیقت برای از بین بردن عوامل ضدآزادی است؛ چراکه کوشش مکتب اسلام این است که انسان آزاد از بند هوا و هوس‌های نفسانی و آزاد از تسلط دیگران تربیت کند تا بتواند راه خویش را آزادانه انتخاب نماید (اردشیری‌لاجیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۲۰۵).

### ۳-۲- تفاوت آزادی و بی‌بندوباری از دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی معتقد است که آزادی از دیدگاه اسلام در درجهٔ نخست، آزاد شدن انسان از بندگی است. آزادی بدان اصل که انسان در برابر حاکمیت هوا و هوس‌ها و تمایلات درونی گوناگون‌اش بر انتخاب و رفتارش آزاد بماند، آزادی‌اش را حفظ کند و انسان برای آزاد شدن باید در راه گسستن از زنجیر اسارت هوا و هوس‌هایش قدم گذارد. پس این آن آزادی است که باید نظام حکومت اسلامی به همهٔ اقشار جامعه بدهد و تا زمانی‌که انسان در خط تسلط بر هوا و هوس‌های نفسانی خویش حرکت ننماید، به آزادی نمی‌رسد و در این میان محیط اجتماعی نیز تأثیر به‌سزایی دارد (سرابندی، ۱۳۸۶: ۳۹۹/۳). ایشان عقیده داشتند که منظور مردم که در راهپیمایی‌ها خواهان آزادی بودند، آزادی از همهٔ قید و بندها نبوده، بلکه آزادی در چارچوب اسلامی مدنظرشان بوده است: «اگر زن و مردم فریاد برمی‌آوردند که استقلال، آزادی، حکومت اسلامی، منظورشان آن آزادی بی‌بندوبارگونه نبود. هیچ مرد و زن مسلمان و متعهدی، خواستار آن نبود که زن و مرد در جامعهٔ ما آزاد باشند و هیچ قیدوبندی نداشته باشد! هرگز نمی‌خواست محیط اجتماعی ما به هر زن و مردی آن آزادی را بدهد که هر طور دلش می‌خواهد لباس بپوشد، زندگی کند و هر طور دلش می‌خواهد معاشرت کند؛ انقلابیون مسلمان ما دنبال این چنین آزادی نبودند» (سرابندی، ۱۳۸۶: ۳/ ۳۹۸-۳۹۷). بنابراین از دیدگاه شهید بهشتی، آزادی به‌معنی بی‌بندوباری هرگز خواستهٔ آرمان ملت انقلابی ایران نبوده، بلکه ملت ایران خواستار این بودند که نوع تعلیم و تربیت برنامه‌های

اجتماعی، برنامه‌های حکومتی، نوع امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی به‌شکلی باشد که فساد و تباهی، گناه، بی‌عفتی، ناپاکدامنی، مشروب‌خواری، می‌خواری و باده‌گساری، قماربازی و فسادهای دیگر در جامعه نباشد (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱: ۴۳۴/۱). ایشان معتقد بودند که نظام جمهوری اسلامی خواهان و طرفدار آزادی است، لکن بی‌بندوباری را نمی‌پذیرد؛ زیرا بی‌بندوباری نوعی اسارت است و نظام اسلامی نمی‌خواهد جامعهٔ اسلامی اسیر بی‌بندوباری‌ها باشد (شعاع‌حسینی، ۱۳۹۲: ۲۶/۳).

### ۳-ضرورت مبارزه با مظاهر گناه و منکر در محیط اجتماعی

از نظر شهید بهشتی، جامعهٔ اسلامی جامعه‌ای است که همهٔ افراد با یکدیگر کار دارند، چون سرنوشت‌شان به‌هم وابسته و پیوسته بوده و همه دارای سرنوشت مشترک‌اند. در جامعهٔ اسلامی یک مسألهٔ اساسی وجود دارد که فرهنگ جامعه بیش از هر چیز به عوامل فطرت انسان و به‌خصوص به عوامل معنویت مربوط است و پُرواضح است که عامل معنویت، نقش ویژه‌ای را در انقلاب اسلامی ایفا کرده و به‌همین دلیل است که در جریان انقلاب اسلامی، پیش از هر امری، انقلاب فرهنگی به‌وقوع پیوست، یعنی به نقش معنویت در زندگی ارج و اهمیت فراوان داده شده است (سرابندی، ۱۳۸۶: ۱۹/۲). منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می‌بایستی در محیط اجتماعی برقرار کرد؛ چراکه اگر معنویت را فراموش شود، انقلاب اسلامی از یک عامل پیش‌برنده محروم شده است (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۷۹). در جامعه‌ای که مردم آن حقاً بخواهند احکام و قوانین اسلام را بر روابط میان خود حاکم سازند، برخورداری از حکومت حق و عدل مشروط به رعایت کامل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. هر نوع قدرتی که در جامعه وجود داشته باشد، در معرض خطر انحراف از حق است و این مردم یک جامعه هستند که با توجه به اهمیت و نقش بسیار مؤثر صاحبان قدرت و کسانی‌که بر منصب و مقام‌های حکومتی و اجتماعی تکیه زده‌اند، باید در راه سعادت خود بکوشند و طریق رسیدن به سعادت و راه رسیدن به حکومت حق و عدل این است که از طریق امر به معروف و نهی از منکر به چنین هدفی برسند (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۶۲-۱۶۳). البته باید توجه داشت که برای اینکه مردم در مسیر انتخاب‌گری دچار ستم، فساد، تباهی، هوس و شهوت نشوند، باید محیط علنی اجتماع از وجود هرگونه انحراف و پلیدی پاک و منزه باشد و نظام اجتماعی اسلام بر پاک بودن محیط اجتماعی برای رشد فضیلت‌ها تأکید می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۸۱). ایشان اعتقاد دارد که مکتب اسلام برای انسان در برابر فشارهای محیط اجتماعی اطراف انسان، آزادی قائل است، اما اسلام روی نقش کُندکنندهٔ فساد و ظلم حاکم بر محیط که حرکت انسان آزاد را کُند و دشوار می‌کند، حساسیت دارد و نمی‌تواند در برابر این ظلم و فساد، ساکت و بی‌تفاوت بماند؛ پس بیان اسلام این است که همهٔ محیط‌های اجتماعی برای شکوفایی و رشد انسان یکسان نیستند و برخی جوامع فضایی مهیاتر نسبت به برخی جوامع دیگر برای رشد فضایل اخلاقی افراد جامعه دارند و این امر همان نقطه‌ای است که اسلام دست می‌گذارد بر اینکه ضرورت دارد محیط اجتماعی اصلاح شود، چون مکتب اسلام نسبت به صلاح و فساد محیط اجتماعی بی‌تفاوت و خونسرد نیست (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۱: ۵۳). شهید بهشتی معتقد است در محیط اجتماعی فاسد، امکانات و ابزارها بیش‌تر صرف تباهی شده و استعدادها اغلب در راه فساد به‌کار می‌افتد و نیروها در راه فحشا و کارهای ناپسند تباهی‌آور مصرف می‌شود و اگر در جامعه‌ای افراد، احساس مسئولیت اجتماعی نکنند و «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته» نباشند، اصولاً آتیهٔ روشن و قابل‌اعتمادی برای کسی قابل‌پیش‌بینی نیست (سرابندی، ۱۳۸۶: ۹۸/۱). در واقع برداشت ایشان این‌گونه است که اسلام به فعل و انفعالاتی که در امور اجتماعی هست، توجه زیادی داشته و برای استوارسازی پیوندهای اجتماعی و در امان نگهداشتن جامعه از گزند عوامل فساد، تدابیر عالی اندیشیده است که به دو صورت به‌چشم می‌خورد: نخست به‌صورت ایجاد یا تقویت عواملی که بر تشکل جامعه می‌افزاید و نظام اجتماعی را عالی‌تر و روابط اجتماعی را مستحکم‌تر می‌کند و دیگری هم به‌صورت جلوگیری از اموری که پیوندهای اجتماعی را سُست و جامعه را بیمار می‌نماید و به تشکل و نظام جامعه لطمه می‌زند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). بنابراین از دیدگاه شهید بهشتی در جامعهٔ اسلامی باید حدودالله بی‌چون و چرا رعایت شود؛ چون جامعهٔ اسلامی در برابر زیرپا گذاشتن یکایک حدود الهی حساس است و اگر شخصی در جامعه در مرعی و منظر دیگران و جلوی دید هزاران نفر دیگر بخواهد گناهی مرتکب شود، آنجا دیگر محیط اجتماعی می‌باشد و در محیط اجتماعی، گستاخی در گناه نباید وجود داشته باشد و به‌همین منظور ضرورت دارد تا جلوی او گرفته شود؛ زیرا موجب لغزش افراد جامعه شده و با

این کار در حق افراد جامعه خیانت شده و به‌همین جهت دین اسلام، آزادی در خیانت را آزادی نمی‌داند، بلکه ضدآزادی ارزیابی می‌کند (سرابندی، ۱۳۸۶: ۴۰۱/۳)

### ۴- تکلیف حکومت اسلامی در برخورد با مظاهر فساد و تباهی

همان‌طور که در مباحث پیشین اشاره شد، شهید بهشتی انسان را موجودی مسئول در قبال محیط اجتماعی پیرامون خویش دانسته و راه رسیدن به سعادت جامعه و تشکیل حکومت حقانی و عادلانه را، انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. از دیدگاه ایشان مسألهٔ امر به معروف و نهی از منکر، بخش‌های مختلفی دارد که یک قسمت عمدهٔ آن مربوط به عموم مردم جامعه است و قسمت دیگر آن، مربوط به صداوسیما و نشریات می‌باشد و بخش دیگر آن با آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده و بخش قانونی و قضایی آن هم به‌عهدهٔ قوهٔ قضائیه است و قسمت مهم آن، به‌عهدهٔ روحانیت می‌باشد که باید به‌صورت آزاد در این زمینه‌ها کار کند (سرابندی، ۱۳۸۶: ۱۴۶/۲). شهید بهشتی در توصیه‌ای مهم به طلاب و روحانیون حوزهٔ علمیه در رابطه با انجام این فریضهٔ مهم می‌فرماید: «توصیهٔ من به طلاب عزیز و به فضلای ارجمند این است که منادی حق باشید، دعوت‌کنندهٔ به حق باشید، آمر به معروف و ناهی از منکر با رعایت تمام معیارهای اسلامی‌اش باشید، اما مجبورکنندهٔ مردم در راه اسلام نباشید؛ چون آن مسلمانی ارزش دارد که از درون انسان‌ها و عشق آن‌ها بجوشد و شکفته شود... اجازه دهید همان‌طور که مردم ایران با آزادی به راه اسلام آمدند و رهبری عالی اسلامی ما را آزادانه پذیرفتند، در تداوم انقلاب هم مردم آزادانه راه خدا، راه اسلام، راه حق، راه خیر و راه صفا و صدق را انتخاب کنند و ادامه دهند» (انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۷). در عقیدهٔ شهید بهشتی در وهلهٔ اول همهٔ افراد و انسان‌های جامعه موظف به برخورد با فساد و تباهی از راه امر به معروف و نهی از منکر هستند، زیرا این مردم یک جامعه هستند که با توجه به اهمیت و نقش بسیار مؤثر صاحبان قدرت و کسانی‌که بر منصب و مقام‌های حکومتی و اجتماعی تکیه زده‌اند، باید در راه سعادت خود بکوشند و طریق رسیدن به سعادت و راه رسیدن به حکومت حق و عدل این است که از طریق امر به معروف و نهی از منکر به چنین هدفی برسند (حسینی‌بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۶۲- ۱۶۳). محیط جامعهٔ اسلامی از دیدگاه آیت‌الله بهشتی باید محیطی پاک از مظاهر گناه باشد و هرگز نمی‌توان کسی را مؤاخذه کرد که چرا نهی از منکر می‌کند، زیرا نهی از منکر شعار اسلام است[1] و قرآن کریم تأکید دارد که مشخصهٔ اصلی جامعه اسلامی که بهترین جامعه برآمده از دل تاریخ می‌باشد، این است که وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهد (سرابندی، ۱۳۸۶: ۳/ ۴۰۲- ۴۰۳). شهید بهشتی معتقد است که مردم باید در انجام این وظیفهٔ مهم اجتماعی مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را به‌دقت مدنظر داشته باشند، به این صورت که در وهلهٔ نخست در قلب عاشق معروف و مخالف و دشمن منکر بوده و در مرحلهٔ دوم در سیما و چهره، وقتی با معروف برخورد می‌کنند، با چهرهٔ نیکو به استقبال آن بروند و زمانی‌که با منکری روبه‌رو می‌شوند، چهره‌شان گرفته باشد. در مرتبهٔ سوم افراد جامعه وقتی به معروف و خوبی برخورد می‌کنند، باید با زبان نیکو آن را تشویق نمایند و وقتی به زشتی برخورد می‌کنند، از آن نکوهش و انتقاد نمایند و در مرحلهٔ آخر یک مقدار هم اقدام شود و به آن کسی که می‌خواهد کار بد انجام دهد، تذکر داده شود (سرابندی، ۱۳۸۶: ۲/ ۴۲۱- ۴۲۲). اما مرتبهٔ بعدی امر به معروف و نهی از منکر این است که اجرای معروف و عدل و جلوگیری از ظلم و باطل و منکر، احتیاج به اعمال قهر و قوه داشته باشد که این مرحله در صلاحیت نهادهای قانونی و مسئول قرار دارد، زیرا آنجایی‌که امر به معروف و نهی از منکر احتیاج به قوهٔ قهریه دارد، این امر صرفاً از وظایف نهادهای مسئول است. شهید بهشتی معتقد است زمانی‌که کار به این نقطه می‌رسد، دیگر افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، حق دخالت غیرمسئولانه ندارند؛ چراکه وقتی دخالت غیرمسئولانه شود، بهانه به‌دست دشمنان نظام اسلامی داده شده و دشمن برچسب آنارشیسم به جمهوری اسلامی می‌زنند، ازاین‌رو تعالیم اسلامی در این رابطه را همواره باید نصب‌العین قرار داد تا مغرضان و بدخواهان فرصت و مجال گفتن و نوشتن چیزهایی که متناسب با چهرهٔ تابناک انقلاب اسلامی است را نداشته باشند (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱: ۱/ ۳۳۳- ۳۳۴). شهید بهشتی معتقد است که وجدان و ایمان انسان‌ها، منشأ تعهد آن‌ها نسبت به اجرای احکام و قوانین و مقررات است، ولی جلوگیری از ظلم، فساد و تباهی را به‌صورت کامل نمی‌توان به وجدان افراد واگذار کرد؛ چراکه در هر جامعه‌ای کسانی پیدا می‌شوند که از قانون تخلف می‌کنند که باید با آن‌ها برخورد کرد و این برخورد

---

۱- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ» (آل‌عمران/۱۱۰).

و اعمال این قدرت برطبق تعالیم اسلام باید صرفاً توسط حکومت باشد، بنابراین در نظام جمهوری اسلامی قانون و اعمال آن به‌وسیلهٔ دولت و نهادهای مسئول حکومتی صورت می‌گیرد و با کمک قانون و با اعمال قوهٔ قهریه جلوی بسیاری از فسادها، ظلم‌ها و تجاوزهای اجتماعی گرفته می‌شود. در عین حال محور چرخش نظام در جمهوری اسلامی در وهلهٔ نخست، ایمان و وجدان دینی و انسانی است و در مرحلهٔ دوم، نظام مقتدر حکومتی نه بالعکس (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱: ۱/ ۳۳۳- ۳۳۴). پس نظام حکومتی اسلام با مظاهر فساد اجتماعی در مرتبه نخست با به کار بردن شیوه‌های تربیتی و نهادهای اقتصادی، اجتماعی ضد گناه و در درجه‌ی دوم برای گناهان و تخلفات مشهود در محیط اجتماع با قدرت قانونی و دستگاه قضایی مقابله می‌کند (سرابندی، ۱۳۸۶: ۲/ ۴۲۱- ۴۲۲). شهید بهشتی معتقد است گناه افراد می‌تواند دو جنبه داشته باشد. جنبه فردی گناه به این صورت است که اگر شخصی در خانه‌ی خود یا اگر در یک جا و گوشه و کناری کرده مرتکب گناهی شد که مشهود نیست، اینجا عوامل حکومتی حق ندارند به سراغش بروند یا اگر شنیده شود که یک کسی در خانه‌اش احیاناً دارد گناهی مرتکب می شود، در اینجا عوامل حکومتی حق دخالت و نقض حریم شخصی و خصوصی افراد را ندارند، زیرا حدود اسلام که مشخص شده است باید رعایت شود. از نظر اسلام گناهی که نامشهود است، گناهی که شاهد ندارد، گناهی که به صورت آشکار نیست، در این زمینه تکیه‌ی اسلام در جلوگیری از فساد و بی بند و باری، تقویت ایمان، تهذیب اخلاق و بالابردن میزان معنویت در انسان است. اسلام می‌خواهد پلیس باطن، یعنی ایمان قلبی، بازدارنده‌ی از گناه و فساد باشد و در درجه نخست می‌خواهد با گناه مبارزه‌ی تربیتی کند (سرابندی، ۱۳۸۶: ۲/ ۵۶۴). اما جنبه عمومی گناه آن زمانی است که گناه به صورت علنی و مشهود در مرعی و منظر مردم انجام شود و جایی که گناه چنان عنان گسیخته باشد که در برابر دیده‌ی دیگران گناه کند که در این صورت اسلام برخورد نهادهای قانونی را تجویز می‌کند. مکتب اسلام درباره گناهان مشهود می‌گوید باید با اعمال مجازات و با قدرت جلویش را گرفت، زیرا اسلام ضد بی بند و باری ضد گناه است اما در برخورد با گناه و بی بند و باری و در اعمال مخالفتش روش دارد. بنابراین از دیدگاه شهید بهشتی اسلام در ابتدا می‌خواهد با روش تربیتی ریشه های گناه را بخشکاند بدین صورت که ابتدا نهاد های آموزشی و فرهنگی و اجتماعی باید زمینه لازم برای شناخت فضایل اخلاقی و ایجاد گرایش در میان افراد را فراهم سازد و پس از آن اگر کسی در محیط جامعه مرتکب گناه و تخلفات مشهود شود در مقام برخورد از قوه قهریه استفاده می‌شود یعنی در هر کجا که کیفر و مجازات لازم باشد، فقط مسئولان مربوطه باید رسیدگی کنند و ببینند که شخص، چه خلافی مرتکب شده و مجازات آن چیست (سرابندی، ۱۳۸۶: ۳/ ۴۰۳). شهید بهشتی در توصیه‌ای مهم به نهادهای آموزشی و فرهنگی کشور با اعتقاد به عدم تحمیل آموزه‌های اسلامی به مردم بلکه زمینه سازی برای رشد آنها می‌فرمایند: «به مردم ایران فرصت بدهید تا آگاهانه و آزادانه خود را بر مبنای معیارهای اسلامی بسازند و این خودسازی را بر مردم تحمیل نکنید، بلکه به مردم کمک کنید، آگاهی بدهید و برای رشد اسلام زمینه سازی کنید ، ولی بر مردم هیچ چیز را تحمیل نکنید. انسان بالفطره خواهان آزادی است و می‌خواهد خودسازی داشته باشد، خودش، خودش را بسازد؛ اما برخلاف دستور قرآن مبادا مسلمان بودن و مسلمان زیستن را بخواهید بر مردم تحمیل کنید، که اگر چنین کردید آنها علیه این تحمیل‌تان طغیان خواهند کرد» (سرابندی، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۸۴- ۱۸۵). اصل هشتم قانون اساسی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه همگانی دانسته که مردم و دولت نسبت به یکدیگر آن را انجام می‌دهند. در جریان تصویب این اصل مهم، شهید بهشتی اعتقاد داشتند که حد و مرز و کیفیت انجام این تکلیف الهی را که دولت در برابر مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت باید انجام دهند، از طریق قانون معین می‌شود. بنابراین، قانون باید شکل و ساختار اجرایی آن را هم معین کند. همچنین برداشت ایشان چنین بود که وقتی گفته شده که قانون در آینده معین می‌کند، یعنی تمام جوانب آن اعم از سیاست‌گذاری، نهادهای مسئول اجرایی و نهادهای نظارتی را در نظر خواهند گرفت (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۰۹).

## نتیجه‌گیری

شهید بهشتی که از رهبران فکری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، اعتقاد دارد که انسان در نظام هستی یک موجود بی‌نظیر و بی‌بدیل است که آزادی و حق انتخاب آگاهانه او به‌عنوان نقطهٔ قوت آفرینش انسان محسوب می‌گردد و انسان آگاه در پرتو عقل و خرد خویش و با توجه به وحی پیامبران الهی به راه سعادت رهنمون می‌شود و از رهگذر شناخت خوبی-

ها و زشتی‌ها، به مسئولیت خود در قبال خویشتن و محیط اجتماعی پیرامون خویش پی برده و در راه ساختن جامعه اسلامی بر پایهٔ ایمان و تقوا برای رسیدن به فضایل اخلاقی به‌شکل آزادانه و آگاهانه گام برمی‌دارد. شهید بهشتی معتقد است که در جامعهٔ اسلامی برای افراد اجتماع، آزادی وجود دارد، اما این آزادی مقید به حدود الهی می‌باشد؛ چراکه آزادی در دیدگاه اسلام هیچ‌گاه به‌معنای بی‌بندوباری و بی‌پروایی در گناه نیست. ایشان معتقد است در جامعهٔ اسلامی نخست، ایمان و آگاهی افراد جامعه به‌عنوان پشتوانهٔ قوانین و مقررات اجتماعی و حکومتی محسوب می‌شود، اما از آنجایی‌که بسیاری از افراد از سطح ایمان بالایی برخوردار نیستند، نمی‌توان فقط به این امر اکتفا کرد. بنابراین نیاز به یک قوهٔ قاهره و اعمال قدرت حکومتی وجود دارد تا متخلفان از قوانین را مجازات کند. یکی از وظایف نظام اسلامی از نگاه شهید بهشتی، ضرورت مبارزه با مظاهر اجتماعی فساد و گناه است، زیرا زمانی‌که محیط اجتماعی فاسد گردد، همهٔ وسایل و امکانات درون آن جامعه رو به فساد و تباهی می‌رود و جامعه دچار انحطاط اخلاقی می‌شود و به‌همین سبب چون دین مبین اسلام بر عامل معنویت و فضیلت اخلاقی تأکید فراوانی دارد، یکی از وظایف حاکمان اسلامی را تزکیه و تربیت اخلاقی مردم جامعه می‌داند و حکومت اسلامی موظف است ابتدا با استفاده از شیوه‌های تربیتی و فرهنگی، زمینهٔ رشد و آگهی و ایجاد گرایش نسبت به اخلاق اسلامی را فراهم ساخته و در مرتبهٔ بعدی با استفاده از قوهٔ قهریه و اعمال قانون نسبت به مبارزه با جلوه‌های فساد و تباهی در محیط اجتماعی مبارزه کند.

ازاین‌رو با عنایت به نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مجلس شورای اسلامی ضمن بررسی و ارزیابی، میزان کارامدی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب سال ۱۳۹۴ و درصورت نیاز اصلاح یا نسخ آن، به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار به‌منظور مهیاکردن شرایط انجام وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر و در راستای اجرایی کردن اصل هشت قانون اساسی، اقدام به تهیه و تصویب قانون جامع امر به معروف و نهی از منکر کند و در متن آن به‌طور دقیق وظایف نهادهای تربیتی و فرهنگی در راستای آگاهی‌بخشی و ایجاد گرایش به فضایل اخلاقی مشخص شده و تکالیف نهادهای اجرایی و قضایی برای برخورد با مظاهر اجتماعی فساد و گناه به‌شکل جامع و مانعی تعیین شود.

## ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

## تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

## سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش شخصاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

## تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- نهج‌البلاغه
- اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد اول. تهران: اداره کل امورفرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- اردشیری لاجیمی، حسن (۱۳۹۰). *گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی*. چاپ دوم. قم: نشر بوستان کتاب.
- انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۹۰). *ارزش‌ها در نگاه شهید بهشتی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید (۱۳۶۱). *او به‌تنهایی یک امت بود*. جلد اول. تهران: انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید.
- انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، *بهشتی* (۱۳۶۱). *اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ*. جلد سوم. تهران: انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید.
- حسینی‌بهشتی، سید محمد (۱۳۸۷). *بایدها و نبایدها*. چاپ سوم. تهران: نشر بقعه.
- حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۱). *آزادی، زورمداری، هرج‌ومرج*. چاپ دوم. تهران: نشر بقعه.

– حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *حزب جمهوری اسلامی (مواضع تفصیلی)*. چاپ اول. تهران: نشر روزنه.

– حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰) (الف). *مبانی نظری قانون اساسی*. چاپ چهارم. تهران: نشر بقعه.

– حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰) (ب). شناخت اسلام. چاپ دوم. تهران: نشر بقعه.

– حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰). *حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفت‌وگوها، نوشتارها)*. چاپ دوم. تهران: نشر روزنه.

– حسینی‌بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۲). *درس‌گفتارهای فلسفه دین*. چاپ اول. تهران: نشر روزنه.

– حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. چاپ نهم. تهران: نشر مرکز صهبا.

– حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). *ولایت و حکومت*. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز صهبا.

– داریوند، محمدصادق (۱۳۹۸)، «جایگاه حقوق و آزادی‌های شهروندی در منظومهٔ فکری شهید بهشتی». *فصلنامه حقوق بشر و شهروندی*. ۴ (۲): ۱۹۴ – ۱۶۹.

– سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). *سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی‌بهشتی*. جلد اول. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

– سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). *سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی‌بهشتی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

– سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). *سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی‌بهشتی*. جلد سوم. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

– شعاع‌حسینی، فرامرز (۱۳۹۲). *بهشتی از زبان بهشتی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

– شعاع‌حسینی، فرامرز (۱۳۹۲). *بهشتی از زبان بهشتی*. جلد سوم. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

– قاسمی، صدیقه (۱۳۹۵). *اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی*. چاپ دوم. تهران: نشر روزنه.

– لک‌زایی، شریف (۱۳۹۹). *آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی*. چاپ چهارم. قم: نشر بوستان کتاب.

– مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). *آینده انقلاب اسلامی*. چاپ چهل‌ونهم. قم: انتشارات صدرا.

– مهاجری، مسیح (۱۳۹۰). *جاودانه تاریخ؛ آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید بهشتی*. جلد چهارم. چاپ دوم. تهران.

– مهدوی، رحمت (۱۳۹۵). *آزادی مترقی در اندیشه شهید بهشتی*. چاپ اول. تهران: انتشارات نهادگرا.

– www.Leader.ir ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ (سایت رسمی آیت‌الله خامنه‌ای).

Journal of
Contemporary Legal Thought
www.lthjournal.ir

Volume 3, Issue 2, 2022

# The Duty of Islamic Government in Struggle against Manifestations of Corruption and Decadence in the Light of Martyr Beheshti`s Thought

**Mohammad Sadiq Darivand[1]***

*1. Continuous Master's student of Islamic Studies and Public Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.*

***ARTICLE INFORMATION***

***Type of Article:***
***Original Research***
***Pages: 61-70***

***Corresponding Author's Info***
***ORCID:*** *0000-0002-5208-6366*
***TELL:*** *00000000000*
***Email:*** *darivand1378@gmail.com*

***Article history:***
***Received:*** *09 Apr 2022*
***Revised:*** *12 May 2022*
***Accepted:*** *14 Jun 2022*
***Published online:*** *22 Jun 2022*

***Keywords:***
*Commanding the Good, Islamic Republic of Iran, Martyr Beheshti, Social Corruption, The Constitution, Forbidding The Evil.*

**ABSTRACT**

The essence of the islamic system is based on the obedience of the orders of god and the prophet (pbuh) and the Infallible imams. one of the orders of Allah Almighty in the holy quran and the innocents in multiple narratives is fight against Social and public manifestations of sin. therefore, one of the tasks of the islamic republic of iran is based on The first paragraph of the third article of the Constitution to create a conducive environment for the growth of moral virtues and fight against all forms of vice and corruption in the islamic community. on the other hand, Marter Beheshti is considered a prominent and outstanding member of the Islamic Revolution, as far as he has played an active and extensive role in founding and establishing the Islamic system. Therefore, in this study, it has been tried by using the collection of his documents and speeches with the documentary - library method and with an analytical view to answer this question that what is the necessity of the Islamic government to deal with social manifestations of corruption and vice, and how he evaluates the duty of the islamic government in this regard. the results of this study show that martyr Beheshti believes that the audacity of committing sin in the social environment has contributed to the decline of the islamic society and in order to preserve the moral health of the society, the islamic government is obligated to take steps first towards raising awareness and creating.

This is an open access article under the CC BY license. © 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Darivand, M (2022). "The Duty of Islamic Government in Struggle against Manifestations of Corruption and Decadence in the Light of Martyr Beheshti`s Thought". *Journal of Contemporary Legal Thought,* 2(3): 61-70.